

تحلیل سوبه‌های دراماتیک مناظره خسرو با فرهاد در خسرو و شیرین نظامی با مرکزیت دیالوگ

فاطمه مدرسی*، کمال رسولیان

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

سال هفدهم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۱، صص ۲۳۱-۲۱۳

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7492>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: دیالوگ، واژه‌ای فرانسوی مأخوذ از یونانی به معنی گفت‌وگو، سخنانی است که میان شخصیت‌های یک نمایشنامه رد و بدل می‌شود. دیالوگ، مهم‌ترین بخش یک نمایش است و هنرپیشه‌های هر درامی از طریق این فن نموده می‌شوند و پرورش می‌یابند. هر اثر ادبی را نیز که به صورت مکالمه بین دو تن یا بیشتر باشد دیالوگ خوانند.

روش مطالعه: در این پژوهش، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی، تلاش می‌شود سوبه‌های غم‌انگیز و دراماتیک مناظره خسرو با فرهاد در خسرو و شیرین نظامی در شکل سنتی آن و با مرکزیت دیالوگ بررسی و تحلیل شود.

یافته‌ها: نوع ادبی مناظره‌سرایی یکی از قالبها و متدهای شعر و نثر فارسی است که شاعران مناظره‌سرا و نویسندگان عموماً این فرم ادبی را در اشکال مختلفی همچون سنتی (روپارویی فرد با فرد بصورت دیالوگ) و جدید (تقابل فرد با خود به صورت مونولوگ) برای اظهار مصادیق گوناگونی چون پند، حکمت، اخلاق، احساس و عاطفه و مسائل اجتماعی بکار می‌گیرند. مناظره غالباً با استفاده از ابزار سؤال و جواب ایجاد می‌شود و سائل یا مجیب هر یک در موقعیت مورد نظر خود باید با احکام مناظراتی از تنگنای جدل خارج شوند. مناظره خسرو با فرهاد از مشهورترین مناظره‌های ادب فارسی است که نظامی توانسته است در آن به بهترین شکل ممکن ستیزهای میان نمایندگان دو قشر مُرقه و بینوای جامعه روزگار خود «خسرو و فرهاد» را به نمایش درآورد. **نتیجه‌گیری:** ناهمگونی موقعیت طرفین مناظره، موضوع تضاد و دوگانگی را در وجود چهره‌های روایت شاخصتر می‌سازد و موجب می‌شود که این مناظره تراژیک و ناعادلانه تمام شود؛ چرا که دو طرف مناظره، دیالوگ‌های خود را از دو جایگاه متفاوت به منصفه ظهور می‌گذارند.

تاریخ دریافت: ۳۰ آبان ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۰۳ دی ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۸ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۱ اسفند ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

نظامی، خسرو و شیرین، خسرو و فرهاد، دراماتیک، دیالوگ، مناظره.

* نویسنده مسئول:

f.modarresi@urmia.ac.ir

۳۲۷۵۲۷۴۱ (۴۴ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis And Review The Dramatic Aspects Debate Between Khosrow With Farhad In Khosrow And Shirin Nizami With The Center Of Dialogue

F. Modarresi*, K. Rasoulian

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Urmia, Urmia, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 21 November 2023
Reviewed: 24 December 2023
Revised: 08 January 2024
Accepted: 20 February 2024

KEYWORDS

Nizami, Khosrow and Shirin, Khosrow and Farhad, dramatic, dialogue, debate.

*Corresponding Author

✉ f.modarresi@urmia.ac.ir

☎ (+98 44) 32752741

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Dialogue, a French word derived from Greek meaning dialogue, is the words that are exchanged between the characters of a play. Dialogue is the most important part of a show and the characters of any drama are developed and developed through this technique. Read any literary work as a dialogue between two or more characters.

METHODOLOGY: In this research, by referring to library sources and using a descriptive-analytical method, an attempt is made to investigate and analyze the tragic and dramatic aspects of Khosrow's debate with Farhad in Khosrow and Shirin Nizami in its traditional form and centered on dialogue.

FINDINGS: Debate writing literary type is one of the formats and methods of Persian poetry and prose, which debate poets and writers generally use this literary form in different forms such as traditional (dialogue between individuals) and new (monologue) to express themselves. They use various examples such as advice, wisdom, ethics, feelings and social issues. Debate is often created by using question and answer tools, and each questioner or answerer in their desired position should get out of the dilemma of the debate with the rules of debates. Khosrow's debate with Farhad is one of the most famous debates in Persian literature, in which Nizami has been able to show in the best possible way the conflicts between representatives of the two rich and poor classes of his time, "Khosrow and Farhad".

CONCLUSION: The heterogeneity of the position of the parties in the debate makes the issue of conflict and duality more prominent in the existence of the figures of the narrative and causes this debate to end tragically and unfairly; Because the two sides of the debate present their dialogues from two different positions.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7492>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 25	 0	 0

مقدمه و بیان مسئله

زبان، ابزاری اجتماعی است که افراد به وسیله آن تجربیات، اندوخته‌ها، اندیشه‌ها، عادات، ارزشها و هنجارهای فرهنگی خود را با یکدیگر مبادله میکنند. زبان همچنین به عنوان وسیله برقراری ارتباط اجتماعی توانسته است گذشته، حال و آینده انسانی را از طریق انباشت دانش و اشاعه علم، با توجه به خصلت گفتاری و نوشتاری توسعه و گسترش دهد. شاعران و نویسندگان، از نظم و نثر که از قابلیت‌های ادبی این پدیده هستند، جهت انتقال پیام به مخاطب سود میجویند.

شاید یکی از جامع‌ترین توصیف‌ها درباره ادبیات این باشد که بگوییم «مجموعه تظاهرات هنری هر قوم که در قالب کلام ریخته شده است ادبیات آن قوم یا ملت به شمار می‌آید.» (ایمن، ۱۳۵۲: ص ۱).

شعر از عمق احساس و ژرفای اندیشه و قریحه انسان سرچشمه میگیرد و با روح و روان آدمی در ارتباط است. برخی از صاحب‌نظران، شعر را موهبتی از سوی پروردگار و عالم الوهیت میدانند و بر این باورند که شعر، تحفه‌ایست از عالم بالا که نصیب هر کسی نمیشود.

«ادبیات یعنی همه آن موارد و ذخایر ذوقی و فکری اقوام و ملل که مردم در ضبط، نقل و نشر آنها اهتمام داشته اند. این میراث که از رفتگان بازمانده است و آیندگان نیز همواره بر آن خواهند افزود، موجب استفاده و التذاذ یک ملت خواهد بود.» (زرین کوب، ۱۳۵۴: ص ۱۸).

ادبیات نقش بسیار مهمی در تقویت هویت و زبان یک ملت دارد و به عنوان یکی از سازه‌های اصلی فرهنگ یک جامعه، درک و دریافت عمیق‌تری از تاریخ، ارزشها و باورها فراهم میکند. آثار ادبی مشهور، به عنوان نمادهای فرهنگی یک جامعه، نشان میدهند که یک ملت چه ارزشها، تجربیات و میراثی دارد و برای حفظ و توانبخشی یک جامعه تا چه اندازه حائز اهمیت هستند. «آنچه ادبیات نامیده میشود ناگزیر زبان هم هست. اگر هم ادبیات را ذاتاً تجاوز از زبان بدانیم به هر حال باید بپذیریم که بیرون از زبان ادبیاتی نیست. پس ادبیات همان زبان است به‌اضافه یا منهای چیز دیگر.» (سارتر، ۱۳۴۸: ص ۳۰). شعر، داستان و نمایشنامه میتوانند روایتها را به شکلی زیبا و قابل تجسم ارائه کنند. ادبیات میتواند در نحوه استفاده از زبان یک ملت نیز، تأثیرگذار باشد.

شعر در ادبیات پارسی، گونه‌ها و انواع مختلفی دارد که هر شاعر بنا بر ذوق و سلیقه و نیز به اقتضای حال و روزگار خویش از آن بهره میجوید. مناظره یکی از انواع شعر فارسی از لحاظ محتوا و درون‌مایه است که شاعران برای سرایش شعر از آن بهره میگیرند. نظامی گنجوی نیز در منظومه خسرو و شیرین و در داستان خسرو و فرهاد از قالب مناظره سود جسته است.

زبان و ادبیات جلوه‌گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ و تجارب و روحيات یک جامعه است. انسانها در گذر زمان از زبان برای انتقال پیام، عواطف و اندیشه‌های خویش بهره جسته‌اند. ادبیات، در تلطیف احساسات، پرورش ذوق و پایایی تأملات بشر، سهمی بزرگ و عمده بر دوش داشته است؛ به همین دلیل هر اندیشه‌ای که در قالب مناسب خویش ریخته شود مستمر و مانا خواهد بود.

به‌طورکلی ادبیات سخنی است که از حد گفتار عادی، برتر و والاتر بوده و مردم آن را درخور ضبط و گزارش دانسته و از شنیدن آنها منقلب گشته و با آن، احساس غم و شادی یا لذت و اندوه کرده‌اند. پس واضح است که یکی از ویژگی‌های مهمی که هر اثر باید داشته باشد تا در جمله آثار ادبی به حساب آید پایداری و ماندگاری آن اثر در طول زمان است. یکی از گونه‌های برجسته ادبیات، شعر است که پیوسته پیامدهایی از واقعیت‌های اجتماعی،

هنری، سیاسی و فرهنگی جوامع اعصار مختلف را در خود بازتاب می‌دهد. ادبیات، آثار کهن ادب فارسی و به طور مشخص شعر، همواره حاصل هم‌زیستی با رخداد‌های سیاسی و اجتماعی زمان خود است. یکی از ارزشمندترین و فاخرترین متون کهن ادب فارسی که در قالب نظم سروده شده است و شاهکار ادبیات غنایی به شمار می‌آید؛ خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای است که داستان پادشاهی و عشق بازیهای خسرو را به هنری‌ترین صورت انعکاس می‌دهد. یکی از بهترین بخشهای این اثر، مناظره خسرو با فرهاد است. هدف پدیدآورندگان این گفتار این است که به تحلیل و بررسی سوبه‌های دراماتیک این مناظره با مرکزیت دیالوگ بپردازند و جنبه‌های سؤال و جواب دو طرف و فضای دردناک و تأثرآور حاکم بر متن را برای خوانندگان این پژوهش بازگو کنند.

ضرورت و اهمیت پژوهش

ارزشمندی و اعتبار مناظره بر پایه دیالوگ در ادبیات غنایی و مجموعه آثار هنری، منتج به حصول دستاوردی سترگ در راستای دریافتن انسانیت و مدنیت هر قوم و ملتی به‌شمار می‌آید. مسلماً این گزاره در مورد ادب غنایی فارسی نیز صادق است؛ چه در متون غنایی پیش از اسلام و چه پس از آن. اگر گفت‌وگو و هم‌گویی اصل و ماهیت نمایش و داستان است مناظره و گفت‌وگو نیز ویژگی برجسته مدنیت در ادب غنایی ماست. این گفت‌وگوها که عموماً به گونه‌ای صورت می‌گیرد که یک طرف آن بینش و تفکری هم‌مونیکی و طرف دیگر، دیدگاهی مفلوکانه اما مُحق دارد به‌مثابه جریان‌هایی هستند که موجب تغییر نگرش جامعه روزگار خود میشوند. پایبندی به یگانگی که همواره در ادبیات ایرانی و در کارزار خیر و شر دیده میشود منجر به ظهور فرهنگی یک‌سونگرانه میشود که از بطن آن مناظره‌سرایی و دیالوگ متولد میشود که از مشهورترین آنها، مناظره خسرو با فرهاد است که تحقیق مورد پژوهش ماست و در ادامه از آن سخن خواهیم گفت.

انجام پژوهش درباره جنبه‌های دراماتیک مناظره خسرو با فرهاد در خسرو و شیرین نظامی با مرکزیت دیالوگ، به ما کمک میکند تا به طور عمیق‌تری با این اثر ادبی آشنا شویم. همچنین این پژوهش می‌تواند درک نکات مبهمی را که در ابعاد مختلف این مناظره وجود دارد برای خوانندگان تسهیل کند تا به طور کامل‌تری از آن استفاده کنند و آگاهی عمیق‌تری نسبت به آثار ادبی داشته باشند. افزون بر این موارد، عناصر دراماتیک موجود در مناظره خسرو با فرهاد را به طور دقیق تحلیل و بررسی می‌کنیم تا شناخت بهتری نسبت به عواملی چون تنش، تعارض، تغییر و تحول در دیالوگ‌های موجود در مناظره پیدا کنیم.

با درک و شناخت بازیگران داستان، به بررسی و تحلیل عواملی مانند هدف، انگیزه، تغییر و تحول در بازیگران اصلی مناظره می‌پردازیم. در ادامه با غور و تفحص در داستان به بررسی سوبه‌های دراماتیک مناظره می‌پردازیم و به نقش این سوبه‌ها در ایجاد تنش و تعارض داستان و شخصیت‌های آن اشاره می‌کنیم. در پایان، بیان می‌داریم که این دیالوگ‌ها چگونه به توسعه داستان و شخصیت‌های آن کمک می‌کنند و چه تأثیری در جریان روایت دارند.

اهداف

هدف اصلی:

تحلیل مؤلفه‌های دراماتیک در مناظره خسرو با فرهاد

هدف فرعی:

آشنایی با مناظره در ادبیات فارسی آشنایی با داستان خسرو و شیرین نظامی

فرضیات و پرسشها

- در این جستار تلاش میکنیم به چند پرسش اساسی پاسخ دهیم:
- چه تفاوت‌هایی در ساختار سؤال‌های طرفین مناظره قابل مشاهده است؟
 - گفتار و طبیعت غالب در مناظره خسرو با فرهاد به چه صورت است؟
 - آیا پرسشهای پژوهشی در مناظره خسرو با فرهاد به درک و شناخت بهتر سرشت آنها کمک میکند؟

روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از ابزار گردآوری کتابخانه‌ای و با مشاهده متنی نمونه‌های مورد استفاده در پژوهش، انجام میگردد. برای دستیابی به هدف پژوهش، ابتدا نمونه‌های مورد نظر پژوهش، مطالعه خواهند شد و نکات لازم در هر مرحله فیش‌برداری میشوند، در پایان نیز با تطبیق و مقایسه پارامترهای مد نظر پژوهشگر، نتایج و داده‌ها ارزیابی و تحلیل میشوند.

پیشینه پژوهش

بنابر وجهت و اعتباری که خسرو و شیرین نظامی در بین متون کهن ادب فارسی دارد؛ به کرات محلّ اعتنای محققان قرار گرفته است. با وجود این، ما در این بخش منحصراً به مطالعاتی اشاره میکنیم که در ارتباط با مناظره خسرو با فرهاد تحقق یافته است.

غنی‌پور ملک‌شاه و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی خسرو و شیرین نظامی با محوریت مناظره خسرو و فرهاد با استفاده از مؤلفه‌های رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف» با تکیه بر تقابلهای خسرو و فرهاد و با توجه به رویکرد انتقادی تحلیل گفتمان و غور و اندیشه در لایه‌های متن، به تبیین روابط مناسبات قدرت در تولید آن پرداخته‌اند.

ذبیحی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای دیگر با موضوع «تحلیل مناظره خسرو و فرهاد به روایت نظامی گنجوی و خانای قبادی از دیدگاه اصول همکاری گرایس» به ذکر مصادیق نقض اصول گرایس در مناظره مذکور از نظامی و ترجمه کوردی آن از خانای قبادی پرداخته و تأثیر آن را بر ترجمه قبادی بررسی کرده‌اند.

نوروزی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقد ساختاری مناظره خسرو و فرهاد در منظومه غنایی خسرو و شیرین» با استفاده از تحلیل ساختارگرایانه بافت ساختاری شعر، ساختار روایت، شخصیت‌پردازی، ساخت موسیقایی شعر و انسجام متنی را بررسی نموده است و آن را گفتمانی بر اساس منطق ارسطویی نمی‌داند.

هرچند تاکنون تحقیقی در حوزه تحلیل سویه‌های دراماتیک مناظره خسرو با فرهاد با مرکزیت دیالوگ صورت نگرفته است و تفاوت‌های چشمگیری میان پژوهش حاضر و دیگر تفحصها دیده میشود اما وجه مشترک آنها در گزینش مناظره مورد تحقیق است. شاخصه بارز جستار پیش رو، تحلیل و واکاوی سویه‌های دراماتیک و غم‌انگیز تقابلهای خسرو با فرهاد است که با مرکزیت دیالوگ به آن پرداخته شده است و آن را از دیگر مطالعات پیشین ممتاز میکند.

مبانی نظری پژوهش

مناظره

مناظره (Disputation) به معنی با یکدیگر بحث کردن است که معمولاً همراه با دلیل و برهان برای اثبات درستی نظر یا عقیده خود است (انوری، ۱۳۸۱: ص ۷۳۶۹). در اصطلاح ادبی مناظره (Debate) شعری است که در آن از زبان دو شخص یا دو چیز گفت‌وگو و مباحثه شود و در نهایت یکی از دیگری برتر معرفی شود (همان: ص ۷۳۶۹). در نوع ادبی مناظره هدف شاعر یا نویسنده از تقابل، اثبات نتیجه اخلاقی یا فلسفی است. یکی از کهن‌ترین کتب بلاغت فارسی، از مناظره به صورت «سؤال و جواب» یاد کرده که: «... یکی از جمله صناعت‌های شعر، آن است که شاعر به هر بیتی سؤالی و جوابی بگوید یا به هر مصرعی...» (رادویانی، ۱۳۷۴: ص ۱۸۸).

مناظره «مباحثه و گفتگو کردن است و در اصطلاح ادبی، شعر یا نثری است که در آن دو چیز یا دو کس در مقابل هم قرار گیرند و بر سر موضوعی با هم بحث و گفت‌وگو کنند تا سرانجام یکی بر دیگری غالب آید و نتیجه دلخواه و از پیش معلوم گرفته شود» (انوشه، ۱۳۸۱: ص ۱۲۷۶).

مناظره را از فروع علوم منطق نیز دانسته و آن را علم‌النظر یا علم آداب بحث نامیده‌اند که: «... کیفیت ایراد کلام بین مناظره‌کنندگان و طریق اثبات دعوی است و این علم از جمله دانشهایی است که پس از رواج منطق در میان علمای ایران پدید آمد تا به کار متکلمان و فقیهان در طریقه اثبات عقایدشان بیاید.» (صفا، ۱۳۷۰: ج ۳/۱، ص ۲۴۶). «ژرف ساخت مناظره حماسه است. زیرا در آن بین دو کس یا دو چیز بر سر برتری و فضیلت خود بر دیگری نزاع و اختلاف لفظی در میگیرد و هر یک با استدلالاتی خود را بر دیگری ترجیح مینهد و سرانجام یکی مغلوب یا مجاب میشود» (شمیسا، ۱۳۸۷: ص ۲۳۰).

پیشینه مناظره در اروپا:

در ادبیات اروپا، نام مناظره با سقراط گره خورده و ثبت شده است. مناظره‌هایی جانانه که همه تفسیر و بیان افکار فلسفی اوست. در ادبیات مغرب زمین مناظره میان دو طرف است که راجع به مسائل اخلاقی، سیاسی، مذهبی، قانونی و نظایر اینها به تبادل نظر میپردازند و قضاوت نهایی معمولاً توسط طرف سوم که بین دو طرف به حکمیت میپردازد، ابراز میشود.

از مناظرات مغرب‌زمین، مناظره «روح و لذت» سروده آندرو مارول و «رساله شعر نمایی» اثر جان درایدن و «قطرات سه گانه» اثر تریللو را میتوان نام برد که به نظر میرسد مناظره «دو قطره خون» پروین متأثر از این قطعه اخیر باشد (داد، ۱۳۸۵: ص ۴۵۳-۴۵۰).

«یکی از مناظره‌های رایج در اروپای قرون وسطی مناظره جان و تن بود که بنا به نظر محققان منشأ آن شرق و کلیسای شرقی است. نمونه آن در ادبیات انگلیسی میانه مناظره روح و جسم است.» (شمیسا، ۱۳۸۷: ص ۲۳۰).

پیشینه مناظره در ادبیات عرب:

به نظر میرسد پیشینه مناظره در ادبیات عرب بیشتر به دوره اسلامی برمیگردد. در کتاب «المحاسن و الاضداد» منسوب به جاحظ، مناظرات به شکل پرسش و پاسخ تنظیم شده است. وجود کتابهایی در زمینه مجادلات خطابه‌ای در رواج این قبیل مناظره‌ها در قرن‌های نخستین اسلام مؤثر بوده است. در آغاز عصر اموی نمونه‌های بسیاری از ادب جدلی در شکل احتجاج در قالب نظم و نثر میبینیم. مانند احتجاج میان نمایندگان حضرت علی (ع) و

فرستادگان معاویه و میان‌شعرای طرفدار حضرت علی (ع) با شعرای هوادار معاویه. این جدل و گفتگو به عنوان نوعی از فن خطابه بررسی و ارزیابی شد. (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: صص ۳۴۶-۳۴۸).

پیشینه مناظره در شعر فارسی:

کاربرد شیوه مناظره در ادبیات فارسی سابقه‌ای طولانی دارد. اولین نمونه از این سبک را در ادبیات قبل از اسلام و در آثار بازمانده از زبان پهلوی میتوان دید. درخت آسوریک سروده شورانگیزی است میان بز و نخل با مصراعهای شش هجایی و همچنین یازده هجایی با چهار تکیه شبیه بحر متقارب که به زبان پارسی یا پهلوی اشکانی سروده شده است ولی اکنون به خط پهلوی در دست است.

احتمالاً ایرانیان این نوع ادبی را که دارای خصوصیات ادبیات شفاهی است در ادوار قدیم از بین‌النهرین اقتباس کرده‌اند. نمونه‌هایی از آن در متون سومری اکدی دیده می‌شود. درخت آسوریک با توصیف کوتاهی از یک درخت بی‌آن‌که با صراحت از آن نام برده شود به شکل معما یا چیستان از زبان شاعر آغاز می‌شود و با این توصیف شنونده یا خواننده پی می‌برد که منظور نخل است. آن‌گاه نخل و بز خود فواید خویش را بیان می‌کنند. (تمیم‌داری، ۱۳۷۷: ص ۱۹).

در هر حال مناظره ریشه ایرانی دارد و میتوان گفت که خاص شعر فارسی است و ایرانیان بیش از اقوام دیگر به مناظره علاقه داشته‌اند و از طرف دیگر این نوع در ادبیات بسیاری از ملل دیده نمی‌شود یا نادر است.

گفتنی است مناظره از دیرباز خاص ادبیات شمال و غرب ایران بوده و در میان شعرای اسلامی نیز بیشتر مناظرات به شاعران آذربایجان و عراق اختصاص داشته است. لذا جلوه‌گری خاصی در سبک خراسانی ندارد و تنها شاعر مطرح این دوره اسدی توسی است. «معلوم نیست چرا شیوه مناظره که قدیمیترین اسلوب حسن ادای مقصود و یکی از بزرگترین طرق سخنگویی و استادی شمال و غرب ایران بوده، تا این حد در زیر سایه سبک خراسانی محکوم به زوال شده است. (پنداری، ۱۳۷۰: ص ۲۷).

پیشینه فن مناظره به ایران پیش از اسلام برمیگردد اما در شعر فارسی، اسدی طوسی را مبتکر این نوع ادبی معرفی کرده‌اند و شاعران برجسته دیگری نیز همچون نظامی، سعدی، مولوی، پروین در فرمهای متنوع و شفيعی کدکنی در سبک نیمایی آثار ماندگاری از خود به یادگار گذاشته‌اند. یکی از سویه‌ها و خصیصه‌های بارز این نوع ادبی بکارگیری و اعمال مضامین اجتماعی-فرهنگی با شالوده‌ای انگاره‌ای در فرم کهن مناظره است که به ایجاد نوعی دیالوگ می‌انجامد. مناظره خسرو با فرهاد نمونه شاخص این رویکرد است که در این پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد.

ساختار مناظره:

مناظره معمولاً از سه بخش تشکیل شده است: وضع، نقیض و داوری و نتیجه؛ عموماً در بخش نخست یکی از طرفین مناظره از خود سخن می‌گوید، لاف می‌زند، شکایت می‌کند، دیگری را ملامت می‌کند و ... سپس در قسمت دوم، طرف مقابل به طرح و رد آن معنی و بیان راه حل و در مقام دفاع از خود برمی‌آید. قسمت سوم یا آخرین بخش استنتاج خود شاعر است که به تناسب مقام، شامل نکات اخلاقی و اجتماعی و گاه اندیشه‌های حکمت‌آمیز است و احیاناً به درازا نیز میکشد. (یوسفی، ۱۳۸۸: ص ۴۱۷)

خسرو شیرین و بُنمایه‌های داستان

خسرو و شیرین بی‌تردید جذاب‌ترین اثر نظامی از لحاظ پرداخت داستان، توصیف احوال و مناظر و همچنین سخن‌پروری است. داستانی تقریباً طولانی با صحنه‌هایی سرشار از تجمل و جمال و تنوع و شکوه. وجود بُنمایه‌های گوناگون و موضوعات ریز و درشت در این منظومه، تنوع و توسعه به فسحت حیات انسانی میبخشد که موجب خلق شدن پُرترکت‌ترین داستان نظامی میشود. از نظر ساختار کلی، وجود اپیزودهایی که قهرمانان اصلی آنها کسانی چون خسرو، شیرین و فرهاد هستند این داستان را از روال حرکت جمعی یا منظومه‌ای و تا حدودی رُمان‌مانند بیرون می‌آورد و به ساختار حلقوی تبدیل میکند. دقیق‌ترین توصیف و پرورش سنخی در میان تمام داستانهای نظامی در همین منظومه دیده میشود. وجود کشاکشها، بگومگوها و تقابلهای بسیار، از جمله مناظره دلکش خسرو با فرهاد بر تنش و جذابیت این داستان می‌افزاید و در عین حال ویژگیهای درونی هر کدام را بهتر بیان میکند. «یکی از انواع سؤال و جواب آن است که با: گفتم و گفتم، گفت و شنیدید، پرسید و پاسخ داد و امثال آنها» ذکر میشود (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ص ۱۴۱).

مناظره خسرو با فرهاد در این منظومه داستانی از همین نوع است که از زبان سوم شخص بیان شده است. در صنعت سؤال و جواب، صرف پرسش و پاسخ میان دو تن مد نظر نیست بلکه جنبه بدیعی آن نیز پیش روی چشم است. از نگاه دکتر نجم در کتاب فن‌القصه پیرنگ، شخصیت‌ها، روایت و گفتگو (دیالوگ) و صحنه از جمله بُنمایه‌های موجود در هر داستانی هستند (نجم، ۱۹۶۶: ص ۱۵). دکتر شمیسا علاوه بر این نکته‌ها لحن، الگو، زمینه، فضا و زاویه دید را هم عنوان نمودند. (شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۱۷۶-۱۷۲). طبیعتاً این عناصر در مناظره خسرو با فرهاد نیز نقش پُررنگی دارند. شخصیت: شخصیتها، همانها هستند که با اعمال و رفتار و گفتار خود، اتفاقات داستان را پدید می‌آورند و بر حسب کارکرد و اعتباری که دارند ممکن است تا پایان داستان حضور داشته باشند و یا کم‌کم عرصه نمایش را ترک کنند. بنیادترین چهره‌های داستان را قهرمان داستان مینامند. شخصیتهای داستان میتوانند پویا و یا ایستا باشند. اعمال و رفتار و کرداری که از شخصیتهای داستان سر میزند باید با صفات و ویژگیهای خاص آنان تناسب و سازگاری داشته باشد. خسرو از چهره‌های اصلی داستان و فرهاد یکی از بازیگران فرعی است. گفت‌گو یا دیالوگ: بُنمایه دیالوگ یکی از اصلیت‌ترین عناصری است که نشان دهنده پندار، دستاورد و کنش بازیگران و قهرمانان داستان است. گفتگوهایی که در مناظره خسرو با فرهاد اتفاق می‌افتد از نوع دیالوگ و سؤال و جواب است که از زاویه سوم شخص روی میدهد.

دیالوگ یکی از مهمترین بُنمایه‌های تعالی کنش دراماتیک است و ارسطو در بوطیقا آن را یکی از بخشهای سوگواره و تراژدی میدانند. زیرساخت دیالوگ بر جابجایی باورها و عواطف است. بر این اساس شخصیتهای باید قادر باشند ذهنیات خود را ابراز کنند و به دنبال آن، اندیشه‌ها از طریق دیالوگ و کنش بروز داده شوند. در صورتی که پنداری در داخل متن اظهار نشود گویی انجام نشده و اصلاً وجود ندارد. واژه‌ها از عناصر انتقال اندیشه و پندار هستند و زمانی به چپستی میرسند که فرصت بیان داشته باشند. «هر واژه‌ای که به واژه دیگری واصل نشود؛ مرده است.» (گادامر، ۱۳۸۷: ص ۷).

انتقال افکار و اندیشه‌های شخصیتهای داستان یکی از ویژگیهای دیالوگ دراماتیک است. قطع به یقین در انتقال این اندیشه‌ها تقابل و تضادهایی را شاهد هستیم که باعث بوجود آمدن کشمکش میشود چرا که هر کدام از طرفین مناظره حامل اندیشه‌هایی متمایز هستند. کنشی که در دیالوگ برای برهم زدن تعادل اولیه بوجود می‌آید ریشه در همان کنش بیرونی دارد که شاعر برای پیرنگ درام می‌آفریند. «یکی از کارکردهای اساسی دیالوگ گسترش

همین کنش بیرونی است.» (آستن و ساوانا، ۱۳۸۴: ص ۸۲).

واژه‌ها حاملان اصلی فرهنگ و تاریخ ملل و همچنین ابزار بنیادین شاعران برای بیان ایده‌ها و تصاویر شعریشان هستند که مذاقه در بطن آنها در طی اعصار مختلف؛ شیوه زندگی، اندیشه‌ها و آرزوهای مردم را در درون خود بازتاب می‌دهد. کاری که با از زیر نظر گذراندن مناظره خسرو با فرهاد به بخشهای مهمی از آنها دست می‌یابیم.

بحث و بررسی

مناظره خسرو با فرهاد، یکی از زیباترین و دراماتیک‌ترین بخشهای منظومه خسرو و شیرین است. این مناظره، از نظر شخصیت پردازی، تضاد و کشمکش، لحن و زبان، استفاده از عناصر بلاغی و پیشبرد داستان، حائز اهمیت فراوانی است. نظامی با خلق این مناظره، به زیبایی، پیچیدگی‌های عشق، قدرت و هژمونی و معدلت‌جویی را به تصویر کشیده است.

«گفتگو» یکی از اجزای مهم در عناصر داستان و در واقع همان سخنان رد و بدل شده، میان «شخصیت»های یک اثر داستانی است. گفتگو باید معرف شخصیت‌های داستان باشد که اغلب سه خصوصیت عمده را در برمیگیرد: خصوصیت جسمانی، روانی و خلقی، اجتماعی. این مؤلفه، ابزاری جهت پرداخت شخصیت و وسیله‌ای برای پیشبرد طرح یا خط روایت است. نویسنده با بهره‌گیری از این عنصر به‌طور «غیرمستقیم» اطلاعات بسیاری را از زبان شخصیت‌های داستان خود به مخاطب ارائه می‌کند.

تجزیه و تحلیل گفتگوهای شاهکارهای ادبی، ارزشهای سبک‌شناسانه‌ای به‌دست می‌دهد:

- گفتگو تنها آرایش و زینت داستان نیست بلکه عمل داستانی را در جهت درون‌نمایه پیش می‌برد.

- گفتگو با ذهنیت شخصیت‌های داستان هماهنگی و همخوانی دارد.

- گفتگو احساس طبیعی و واقعی بودن را به خواننده می‌دهد بی‌آنکه در واقع طبیعی و واقعی باشد.

بنابراین دیالوگ‌ها حالت ایستایی ندارند بلکه پویایی آنها به داستان تحرک و طروات می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۹۴: ص ۶۱۳-۶۰۴). نظامی در این گفتگو، از عنصر تعلیق به بهترین نحو استفاده کرده است. او به تدریج اطلاعات را به خواننده ارائه می‌دهد و او را در انتظار می‌گذارد. این گفتگو، گره‌ای در داستان ایجاد می‌کند. خواننده نمی‌داند که خسرو در نهایت چه تصمیمی خواهد گرفت. دیالوگ به‌کاررفته در این مناظره، نوعی رمزگشایی از شخصیت‌های خسرو و فرهاد است. خواننده با شنیدن سخنان آنها، به عمق شخصیت آنها پی می‌برد.

منظومه خسرو و شیرین نظامی گنجوی، سرشار از مفاهیم عمیق و رمز و رازهای ناگفته است. یکی از بارزترین مضامین این منظومه، تقابل قدرت و عشق در مناظره خسرو با فرهاد است.

مناظره خسرو با فرهاد

نخستین بار گفتش کز کجائی	بگفت از دار ملک آشنائی
بگفت آنجا بصنعت در چه کوشند	بگفت انده خرنند و جان فروشند
بگفتا جان‌فروشی در ادب نیست	بگفت از عشقبازان این عجب نیست
بگفت از دل شدی عاشق بدینسان؟	بگفت از دل تو میگوئی من از جان
بگفتا عشق شیرین بر تو چونست	بگفت از جان شیرینم فرونست
بگفتا هرشبش بینی چو مهتاب؟	بگفت آری چو خواب آید کجا خواب؟

بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟	بگفت آنکه که باشم خفته در خاک
بگفتا گر خرامی در سرایش؟	بگفت اندازم این سر زیر پایش
بگفتا گر کند چشم تو را ریش؟	بگفت این چشم دیگر دارمش پیش
بگفتا گر کسپش آرد فراچنگ؟	بگفت آهن خورد و خود بود سنگ
بگفتا گر نیایی (نجوئی) سوی او راه؟	بگفت از دور شاید دید در ماه
بگفتا دوری از مه نیست درخور	بگفت آشفته از مه دور بهتر
بگفتا گر بخواهد هر چه داری	بگفت این از خدا خواهم بزاری
بگفتا گر بسر یابیش خوشنود	بگفت از گردن اینوام(دام) افکنم زود
بگفتا دوستیش از طبع بگذار	بگفت از دوستان ناید چنین کار
بگفت آسوده شوکاین کار خامست	بگفت آسودگی بر من حرامست
بگفتا رو صبوری کن درین درد	بگفت از جان صبوری چون توانکرد
بگفت از صبر کردن کس خجل نیست	بگفتت ایندل تواند کرد دل نیست
بگفت از عشق کارت سخت زار است	بگفت از عاشقی خوشتر چکار است؟
بگفتا جان مده بس دل که با اوست	بگفتا دشمنند این هر دو بیدوست
بگفتا در غمش میترسی از کس	بگفت از محنت هجران او بس
بگفتا هیچ همخوابیت باید	بگفت ار من نباشم نیز شاید
بگفتا چونی از عشق جمالش	بگفت آن کس نداند جز خیالش
بگفت از دل جدا کن عشق شیرین	بگفتا چون زیم بی جان شیرین
بگفت او آن من شد زو مکن یاد	بگفت این کی کند بیچاره فرهاد
بگفت ار من کنم در وی نگاهی	بگفت آفاق را سوزم به آهی
چو عاجز گشت خسرو در جوابش	نیامد بیش پرسیدن صوابش
بیاران گفت کز خاکی و آبی	ندیدم کس بدین حاضر جوابی...

(دستگردی، ۱۳۳۵، ص ۲۷۱-۲۷۰)

غم و اندوه، نقطه محوری و اساسی در مناظره خسرو با فرهاد است؛ چنانکه گاهی مخاطب احساس میکند در حال تماشای یک نمایش تراژیک همچون هملت میباشد. در مناظره مزبور آنچه عنصر کیفی محسوب میگردد، گفتگویی است که بین فرهاد، فردی از اقشار فرودست جامعه و از سوی دیگر خسرو، فردی با قدرت تام و در جایگاه فرمانروای یک سرزمین صورت میگیرد و مسیر روایت را ساماندهی میکند. گفتگویی که با تنش و تعارض همراه است. دوگانگی ناشی از نفس‌گرایی رام‌نشدنی خسرو و عشقورزی بی‌آلایش فرهاد سبب میشود دو طرف مناظره، بی‌محابا و با خشونت کلامی پاسخ طرف مقابل را بدهد. بیت زیر نشان‌دهنده خشم خسرو نسبت به فرهاد است:

بگفتا دوستیش از طبع بگذار بگفت از دوستان ناید چنین کار

در این گفتگو، برافروختگی و تهور از سوی هر دو شخصیت به شکلی اغراق‌آمیز و غیر قابل کنترل به نمایش گذاشته میشود؛ حتی زمانی که احساس میکنیم، خشمی در کار نیست، باز هم از لابه‌لای واکنشهای کلامی خسرو و فرهاد، شاهد نوعی پرخاشگری و خشونت کلامی هستیم که دو طرف دیالوگ با استفاده از این تندخویی پنهان، سعی

دارند خواسته خودشان را به کرسی بنشانند یا به نوعی بر طرف مقابل خویش، تحمیل کنند. در بیت زیر، اوج این فوران خشم را از هر دو طرف گفتگو به‌ویژه فرهاد عاشق‌پیشه، شاهد هستیم:

بگفتا گر کسیش آرد فراچنگ؟ بگفت آهن خورد و خود بود سنگ

آنچه در این مناظره نقش اساسی ایفا می‌کند، مسأله‌ی «عشق» افراطگونه فرهاد به شیرین است. از سوی دیگر خسرو نیز شیفته شیرین است و هر فردی با اندک آشنایی که با طبع پادشاهان دارد، درک می‌کند که خسرو با توجه به اینکه جایگاه بسیار بالاتری نسبت به فرهاد دارد، در صورت عدم منصرف شدن فرهاد از ابراز عشق و محبتش به شیرین، ناگزیر برای حفظ شأن و منزلت فرمانروایی خویش، اقدام به مجازات کردن فرهاد می‌کند و او را به مأموریتی نافرجام و بدون بازگشت می‌فرستد:

گشاد آنگه زبان چون تیغ پولاد فکند الماس را بر سنگ بنیاد
 که ما را هست کوهی بر گذرگاه که مشکل میتوان کردن بدو راه
 میان کوه راهی کند باید چنانک آمد شد ما را بشاید
 بدین تدبیر کس را دسترس نیست که کار تست و کار هیچکس نیست
 (دستگردی، ۱۳۳۵: ص ۲۷۱)

تلاشهای شخصیتها برای پاسبانی از آرمانهای خودشان، به‌حدی فراوان و استوار است که آماده جانفشانی در مسیر عشق هستند. در تراژدی، عشق با مرگ و فقدان عجین است و این دو مقوله از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و وجود یکی، حضور دیگری را می‌طلبد. در مناظره خسرو با فرهاد، بایستی یکی از دو طرف گفتگو، عقب‌نشینی کند تا مناظره به‌گونه‌ای مسالمت‌آمیز خاتمه یابد؛ اما نه فرهاد که مسلک و کیش عشق را برگزیده و نه خسرو که بحث ابهت و فرمانرواییش مطرح است، حاضر به عقب‌نشینی در باب عشقشان به شیرین نیستند و باید یکی از این دو قربانی گردد:

بگفت از عشق کارت سخت زار است بگفت از عاشقی خوشتر چکار است؟
 بگفتا جان مده بس دل که با اوست بگفتا دشمنند این هر دو بیدوست
 بگفتا در غمش میترسی از کس بگفت از محنت هجران او بس

خسرو تلاش فرهاد برای دستیابی به شیرین را خام و بیهوده می‌انگارد و باور دارد که فرهاد با ابراز عشق خودش به شیرین فقط آسودگی را بر خویشتن حرام کرده و برای خود اندوهی دوچندان به بار آورده است. اما در طرف مقابل، فرهاد به هیچ روی، کوشش خود را برای دستیابی به معشوقش بیهوده نمی‌شمارد و باور دارد همواره آیین عشق‌ورزی با محنت و اندوه آمیخته است و در مسیر رسیدن به معشوق، طبیعتاً آسودگی بر عاشق حرام می‌گردد:

بگفت آسوده شو کاین کار خامست بگفت آسودگی بر من حرامست

در مناظره خسرو با فرهاد و دیالوگهای هر دو طرف گفتگو، بویژه فرهاد، گونه‌ای آشفتگی و سردرگمی نمایان است. ملامت خسرو بر فرهاد کارگر نیست و او اضطراب وجودی خودش را بر محور عشق ترسیم کرده و منتهای آرزوی وی، لایق بودن و البته لایق شدن برای عشق شیرین می‌باشد. با وجود اینکه فرهاد در این داستان به سبب خوشباوری، قربانی دلدادگی شیرین شده است اما عشق او را برای جان خویش، حیاتی می‌داند و حاضر نیست به

هیچ روی از ابراز عشق خودش به شیرین برگردد. فرهاد سرچشمه زندگی را یافته است و آن، همانا فداکردن جان در مسیر عاشق‌پیشگی است:

بگفت از دل شدی عاشق بدینسان؟ بگفت از دل تو میگوئی من از جان
بگفتا عشق شیرین بر تو چونست بگفت از جان شیرینم فرونست
بگفتا هرشبش بینی چو مهتاب؟ بگفت آری چو خواب آید کجا خواب؟

در این مناظره دراماتیک، فرهاد کاملاً از این مسأله آگاهی دارد که توان رویارویی با قدرت خسرو را ندارد و هیاهویی که راه انداخته، جاننش را خواهد گرفت. او در صورت نرسیدن به معشوقه‌اش، رقیب خویش را مقصر نمیداند، بلکه آن را به تقدیر و مشیت الهی ارتباط میدهد. زمانی که خسرو به او میگوید: دیگر حتی از شیرین یادی هم نکند، پاسخ فرهاد با گونه‌ای ترس و اندوه همراه میشود و اگرچه دست از آرمانش نمیکشد، اما فرهاد در آن لحظاتی که خسرو تهدیدش میکند، با توجه به فضای روایت، لحظات دلهره‌آور و پراضطرابی را سپری میکند:

بگفت او آن من شد زو مکن یاد بگفت این کی کند بیچاره فرهاد
بگفت ار من کنم در وی نگاهی بگفت آفاق را سوزم به آهی

فرهاد از سرزمین عشق، تحسر و بیقراری آمده است و در همان آغاز گفتگوش، شکست را در برابر خسرو پذیرفته است، اما شکستی افتخارآمیز و صد البته همتای پیروزی! عشق، هرچند با اندوه نیز توأم باشد زیباست! عاشق، غم فراق را باید بچشد تا شاید به نوش وصل سرخوش گردد. فرهاد از سرزمین عشقهای نافرجام آمده است. از دیالوگها و مخصوصاً جوابها، اینچنین میتوان استنباط کرد که او لطف عاشقی را چه بسا در فراق حتی بیشتر از وصال میداند. فرهاد و پدرانیش غم و غصه عشق را به دوش کشیده‌اند و این بار امانت را فرهاد بر زمین نمیگذارد حتی اگر جاننش را در این راه از دست بدهد؛ او خریدار اندوه عشق و فروشنده جان خویش است:

بگفت آنجا بصنعت در چه کوشند بگفت انده خرنده و جان فروشند
بگفتا جانفروشی در ادب نیست بگفت از عشقبازان این عجب نیست

مناظره تراژیک خاتمه می‌یابد و البته باید هم اینگونه باشد، چرا که فرهاد در بیشتر دیالوگها توسط رقیبش کشته میشود! فضا و محیط مناظره هم ما را از طریق دیالوگها از این مسأله که فرهاد باید بمیرد، آگاه میسازد تا درام پیش برود. ما شاهد هیچ‌گونه تعلیقی نیستیم و مخاطب به شیدایی فرهاد در همان اولین گفت‌وگویش با خسرو آگاه میگردد که بر سر آن جاننش را از دست خواهد داد. آنچه که ادامه این روایت را بیش از پیش برای مخاطب جذاب میکند، حاضر جوابی فرهاد است. کلام فرهاد روایت را پیش میبرد. نظامی، فرهاد را سپر قرار میدهد تا گفتمان خویش را بیان کند. در این گفت‌وگوی کلامی، که انگار در یک پرده تئاتر در حال رخ دادن است، شاعر از هیچ تلاشی فروگذار نیست تا فرهاد را با همه سیه‌روزی که انتظارش را میکشد، پیروز مناظره معرفی کند. فرهاد تنها با فروختن جاننش پیروز است و غیر از این راهی برای خود باقی نگذاشته است. فرهاد تمام پل‌های پشت سرش را به نوعی خراب کرده و بازگشتی برای او نمی‌توان متصور شد. او تنها با مردن به دست رقیب، حیاتی دوباره می‌یابد؛ چنانکه ارباب عشق نیز همین نمود زیبا را سرلوحه و بنیان کار خویش قرار داده‌اند:

بگفت از عشق کارت سخت زار است بگفت از عاشقی خوشتر چکار است؟

عشق شیرین برای فرهاد همه چیز اوست، چنانکه برای خسرو نیز همینگونه است، اما در این جدال، فرهاد بی‌دفاع است و مجبور میشود برای رسیدن به خواسته دلش به حرف رقیب گوش فرا دهد و بازی ناعادلانه‌ای را آغاز سازد که پایان آن برای او جز مرگ نخواهد بود و همینگونه هم میشود. او برای وصال عشقش، رخنه کردن در دل کوه را شروع میکند. شروعی که البته برای او پایان خوشی نخواهد داشت! برای سالک راه عشق آنچه اهمیت دارد تطهیر شدن در مسیر سلوک است تا لایق آن مقصود متعالی گردد. برای فرهاد دلخسته نیز، همین گونه است.

بحقّ حرمت شیرین دل‌بند کز این بهتر ندانم خورد (هیچ) سوگند
 که با من سر بدین حاجت در آری چو حاجتمندم این حاجت بر آری
 جوابش داد مرد آهنین چنگ که بردارم ز راه خسرو این سنگ
 به شرط آنکه خدمت کرده باشم چنین شرطی به جای آورده باشم

در درام خسرو و فرهاد، نظامی ما را به تماشای یک تناقض و تضاد مبرهن و آشکار دعوت کرده است؛ جدای از جایگاه اجتماعی و فرهنگی دو طرف بنیادین مناظره که شالوده درماندگی فرهاد و قدرت خسرو را شکل میدهد، ما با دو مقوله عشق عارفانه و عاقلانه روبرو میشویم و آنچه زیبایی این درام را برای مخاطب دوچندان میکند، حرکت کردن در محوری بین این دو نقطه اساسی روایت است. خسرو در این درام مناظره‌ای، به اندازه فرهاد، آشفته و بی‌قرار است ولی جایگاه فرمانروایی، امکان درماندگی را از او گرفته و راههای مختلفی را برایش جایگزین کرده است، مثل مجبور کردن رقیبش برای رفتن به مأموریتی غیرقابل برگشت:

به کوهی کرد خسرو رهنمونش که خواند هر کس اکنون بیستونش
 بحکم آنکه سنگی بود خارا بسختی روی آن سنگ آشکارا

مناظره به نمایشی‌ترین شکل ممکن پایان می‌یابد. هر چند از فرهاد نشان و اثری کمرنگ در پاره‌ای از آثار ادب فارسی برجای مانده است و موقعیت ارزشمند او در تاریخ ناپایدار و ضعیف مینماید اما این دل‌باخته کوهکن، نشان عشق نافرجام خویش را بر کوه حک میکنند و علیرغم اینکه تنها نقش یک قربانی عاشقانه را در این داستان بازی میکند؛ نامش را جاودان می‌سازد. فرهاد هم با جوابهای کوبنده‌اش در مناظره و هم حک کردن نقش عشق در دل سنگ به خوبی از عهده سلطه قدرت برآمد. نظامی، فرهاد را هم به واسطه حاضر جوابیش در برابر خسرو و هم به پاس تیشه‌هایی که بر پیکر کوه بیستون زد؛ جاودانه کرد:

بر آنکوه کمرکش رفت چون باد کمر دریست و زخم تیشه بگشاد
 نخست آرم آن کرسی نگهداشت بر او تمثالهای نغز بنگاشت
 ب آتیشه صورت شیرین بر آن سنگ چنان برزد که مانی نقش ارزنگ

نمادپردازی در مناظره خسرو با فرهاد:

در این مناظره، کوه بیستون نمادی از استقامت و پایداری عشق فرهاد است. فرهاد سالها در کوه بیستون به تراشیدن سنگها مشغول است تا به شیرین برسد. این کار، نمادی از پایداری او در عشق است.

موسیقی شعر:

نظامی در این مناظره، از بحر هزج استفاده میکند و با بهره‌گیری از لحن، آهنگ شعر، فضا و محیط داستان، شور و هیجان خاصی پدید می‌آورد.

تأثیر گذاری:

این مناظره، از نظر عاطفی و فکری، تأثیر عمیقی بر خواننده میگذارد. خواننده با شنیدن این مناظره و دیالوگهای آن، به عظمت عشق فرهاد پی میبرد و به ستایش او میپردازد. اینک به بررسی جنبه‌های دراماتیک مناظره خسرو با فرهاد با تمرکز بر دیالوگها میپردازیم:

شخصیت پردازی:

در این مناظره، شاهد تقابل آشکار دو دیدگاه متفاوت و دو شخصیت با ویژگیهای متضاد هستیم. خسرو، پادشاهی مقتدر و مغرور است که عشق به شیرین، او را به وادی جنون و پریشانی کشانده است. از قدرت و ثروت خود سخن میگوید و تلاش میکند با وعده‌های مادی، فرهاد را از عشق شیرین دور کند. در مقابل فرهاد، عاشق پاکباز و بی‌آلایشی است که تمام هستی خود را وقف عشق شیرین کرده است. نتیجه این تقابل، غلبه عشق فرهاد بر خسرو است. رویارویی عشق با قدرت از مضامین رایج در ادبیات غنایی است که همواره با پیروزی عشق همراه است.

تضاد و کشمکش:

دیالوگهای رد و بدل شده بین خسرو و فرهاد، سرشار از تضاد و کشمکش است. خسرو از قدرت و ثروت خود سخن میگوید و فرهاد از عشق و ایمان خود. این تضاد، مناظره را جذاب و هیجان انگیز میکند و خواننده را مجذوب خود میکند.

لحن و زبان:

لحن خسرو در این مناظره، بیشتر آمرانه، طلبکارانه و حتی در مواردی تحقیرآمیز و تمسخرانگیز است. او عشق فرهاد را به تمسخر میگیرد و از او میخواهد تا از عشق شیرین دست بکشد و به او میدان دهد. در مقابل، لحن فرهاد، لحنی عاشقانه، عارفانه و همراه با تواضع است. او از عشق خود نسبت به شیرین دفاع میکند و آن را عبادت میداند. لحن فرهاد در مواردی قاطعانه و مستدل است و تلاش میکند حقانیت خود را در عشق شیرین اثبات کند و هرگز حاضر به تسلیم شدن نیست.

استفاده از عناصر بلاغی:

نظامی در این مناظره، از انواع عناصر بلاغی، مانند تشبیه، استعاره، کنایه و تضاد به بهترین نحو استفاده کرده است. این عناصر، به زیبایی و تأثیرگذاری دیالوگها افزوده است.

نتیجه گیری

مناظره خسرو با فرهاد یکی از دراماتیک‌ترین مناظره‌های ادب فارسی میباشد. مناظره‌ای که ما را به تماشای صحنه نمایش و پرده‌تثاتی میبرد که در آن دو رقیب عرصه عشق، با هم به دیالوگ میپردازند. مخاطب علاوه بر خواندن،

تماشاگر نیز هست و با هر دو شخصیت مناظره، همذات‌پنداری میکند. نقطهٔ مشترک هر دو شخصیت، معشوقهٔ آنها، شیرین، است. هر دو طرف مناظره سعی دارند با لطایف الحیل کلامی، به مقصود خود برسند. بنابراین در اینجا آنچه اهمیت پیدا میکند، گفتگو یا همان دیالوگ دو شخصیت است که اگر آن را درست به کار ببندند، میتوانند طرف مقابل را ناکام بگذارند.

از سوی دیگر، این مناظره هم تراژیک است هم ناعادلانه؛ زیرا دو طرف مناظره، دیالوگ‌های خود را از دو جایگاه متفاوت به منتهٔ ظهور می‌گذارند. خسروی فرمانروا و پرابهت به دیدهٔ تحقیر در فرهاد مینگرد و فرهاد را که خود، درمانده و عاجز است و سلاحی جز کلام و جواب‌های برنده در دست ندارد، مستأصتر میکند. همین اختلاف جایگاه دو طرف مناظره، مقولهٔ تضاد را در طول روایت بیش از پیش برجسته میسازد.

فرهاد از پرمخاطره‌بودن ابراز عشق خود به شیرین، کاملاً آگاهی دارد و جان برکف به سوی مرگی قریب‌الوقوع رهسپار میشود. او نشان عشق خویش را بر کوه، که نمادی از پایداری در عشق است، میتراشد تا جاودان گردد. فرهاد هم با سخنانش و هم با تراشیدن کوه (به نوعی نوشتن)، مَه‌ری بر جاودانگیش میزند، که لازمهٔ این مناظره و هر صحنهٔ نمایش تراژیکی میباشد.

اگرچه جواب‌های فرهاد به خسرو، از روی دلهره، ترس و اضطراب هستند، اما این ترس، ترسی موجه و آبرومندانه است. او باید بترسد چرا که همین گفتگویش با خسرو کار بسیار خطیری است، که وی جان بر کف به سوی آن شتافته است. فرهاد حاضر جواب، خسرو را با همهٔ ابهت پادشاهی، متحیر میکند آن هم فقط با کلام. او برای هر پرسش خسرو، آمادگی پاسخگویی دارد؛ چرا که مقصودش بسیار با اهمیت و بزرگ است و آن رسیدن به شیرین است.

عشق خسرو به شیرین نیز کم از عشق فرهاد نیست؛ اما قدرت خسرو، راه حل‌های گوناگونی را پیش روی‌ش قرار میدهد؛ از جمله اینکه رقیبش را به مأموریتی غیرقابل بازگشت، رهسپار کند. به همین دلیل، فرهاد به مراتب، درماندگی و استیصالش در عشق، افزون‌تر از درماندگی عشق خسرو ثروتمند و فرمانرواست. فرهاد باید خواستهٔ خسرو را بپذیرد تا بلکه شاید دل پادشاه نرم شود و از عشقش به شیرین دست بکشد.

مناظرهٔ خسرو با فرهاد یک درام تراژیک است که سویه‌های غم و عاطفه و احساس را در خواننده برمی‌انگیزاند. الههٔ عشق را جاودان میکند و آن را با مقوله‌های مرگ و فقدان و اندوه پیوند میدهد. از سوی دیگر ما را رهسپار سرزمین اندوه و غمگساری معشوق میکند. بنابراین حتی اگر فرهاد و خسرو از این کشمکش، توشه‌ای حاصل نکرده باشند، یقیناً برندهٔ این مناظره، خواننده‌ای است که این صحنه‌های درام را به تماشا نشسته است.

مشارکت نویسنندگان

این مقاله با مشارکت سرکار خانم دکتر فاطمه مدرسی و آقای کمال رسولیان که با نگارش و جمع‌آوری داده‌ها در تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای این مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

لازم میدانم مراتب قدردانی و سپاس خودم را از نشریهٔ وزین ماهنامهٔ علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق) اعلام نمایم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله تأیید مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی یا خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی نویسندگان است و نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت تام دارند. این جستار مطابق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تقلب و تخلفی در جریان آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان کلیه عواقب را میپذیرند.

REFERENCES

- Anvari, Hassan. (2002). Great speech culture. The seventh volume. Tehran: Nashr-e Sokhan.
- Anoushe, Hassan. (2002). Dictionary of Persian literature. The second volume. Tehran: Farhang-o- Ershad-e Eslami.
- Dad, Sima. (2006). Dictionary of literary terms. Tehran: Morvarid.
- Elias bin Yusuf, Mohammad. (1956). Generalities of Diwan Hakim Nizami Ganjaei. From the corrected text of Vahid Dastgerdi, Amir Kabir Press Institute.
- Ghunaymi Hilal, Muhammad. (1994). A Comparative literature. Translated by Seyyed Morteza Ayatollahzadeh Shirazi. Tehran: Amir-Kabir.
- Ḥamīdiyān, Sa'īd. (2023). Khosrow and Shirin, With corrections and margins by Hassan Vahid Dastgerdi, 23rd edition, Tehran: Qatre publication.
- Imen, Leyli. (1973). A passage in children's literature. Book Council. Tehran: Offset printing.
- Mirsadeghi, Jamal. (2015). Story elements. Ninth edition. Tehran: Nashr-e Sokhan.
- Najm, Muḥammad Yūsuf. (1966). The art of story. Fifth edition. Beirut: Dar El Thaqafa.
- Pandari Jalali, Yadullah. (1999). A selection of poems by Parvin E'tesami. Tehran: Morvarid.
- Raduyani, Muhammad. (1995). Tarjoman-Ol- Balaghe. Ateş, Ahmad edition: 3.
- Rastegar, Mansour. (1993). Types of Persian poetry. Shiraz: Navid-e Shiraz.
- Safa, Zabihollah. (1992). History of literature in Iran. Fifth Edition. Nashr- e Ferdows.
- Sartre, Jean-Paul. (1969). What is literature? Translated by Aboul-hassan Najafi, Mostafa Rahimi. Tehran: Niloufar.
- Shamīsā, Sīrūs. (2008). Literary types. Fourth edition. Tehran: Mitra.
- Stan, Allen. Savannah, George. (2005). Text semiotics and theater performance, Translated by Zinlou, Dawoud. Tehran: Soure-ye Mehr.
- Tamimdari, Ahmad. (1998). Iranian stories. Islamic Propaganda Organization(Sazman-e Tablighat –e Eslami).

- Yousefi, Gholamhossein. (2009). Bright Fountain(Cheshme-Roshan/A meeting with poets). Tehran: Elmi Publications.
- Zarrinkoub, Abdolhossein. (1975). literary criticism. Tehran: amir-kabir publications.
- Rasoulia, Kamal. (2023). The role of literature in strengthening the national identity and language of a nation by relying on Shahnameh and Kushnameh, Mohaghegh Ardabili University, International Conference on Comparative Fiction Literature Research, winter 2023.
- Zabihi, Rahman and the others. (2023). Analysis of the debate between Khosrow and Farhad as narrated by Nizami Ganjavi and Khanai Ghobadi from the point of view of Grice's principles of cooperation, Kurdish literature research paper, spring and summer 2023, ninth year, number 1, in a row, Pages 97-112.
- Gadamer, Hans-Georg. (Spring 2000). Life: not lingering and meditation in language "thoughts about language and literature" translated by Mohammad Farmani, Namah al-Falshaf(Philosophy letter). Number 9, Pages 67-74.
- Ghanipour, Malikshah And The Others. (2023). Analysis and review of Khosrow and Shirin Nizami focusing on the debate between Khosrow and Farhad using the components of Fairclough critical discourse analysis approach. Ancient History of Persian Literature, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, year 14, Number 1, Spring&Summer 2023, Pages 347-368.
- Modarresi, Fatemeh And Rasoulia Kamal. (2023). Examining today's unused words in Rudaki's poems. International scientific-specialist quarterly of Persian language studies(Shafay-e Del-e Sabegh). Sixth year, number thirteen, spring 2023, Pages 73-94.
- Norouzi, Zeinab. (2009). Structural criticism of the debate between Khosrow and Farhad in the lyrical system of Khosrow and Shirin, Sistan and Baluchistan University's research paper on lyrical literature, 7th year, 12th issue, spring and summer 2009, Pages 159-178.

فهرست منابع فارسی

- استن، آلن و ساوانا، جرج (۱۳۸۴). نشانه‌شناسی متن و اجرای تئاتری. ترجمه داوود زینلو. تهران: سوره‌مهر.
- الیاس بن یوسف، محمد. (۱۳۳۵). کلیات دیوان حکیم نظامی گنجه‌ای. از روی متن تصحیح شده وحید دستگردی، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- ایمن، لیلی. (۱۳۵۲). گذری در ادبیات کودکان. شورای کتاب کودک، تهران: چاپ افست.

انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. جلد هفتم، تهران: انتشارات سخن.
انوشه، حسن (۱۳۸۱). فرهنگنامه ادب فارسی، دانشنامه ادب فارسی. جلد دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
پنداری، یدالله (۱۳۷۸). گزینۀ اشعار پروین اعتصامی. تهران: مروارید.
تمیم‌داری، احمد (۱۳۷۷). داستان‌های ایرانی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
حمیدیان، سعید. (۱۴۰۲). خسرو و شیرین، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، چاپ بیست و سوم، تهران: نشر قطره

داد، سیما (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
رادویانی، عمر. (۱۳۷۴). ترجمان البلاغه. چاپ احمد آتش، چ ۳
رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۲). انواع شعر فارسی. شیراز: نوید شیراز.
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۴). نقد ادبی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
سارتر، ژان پل (۱۳۴۸) ادبیات چیست؟ ترجمه ابوالحسن نجفی؛ مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات نیلوفر.
شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). انواع ادبی. ویرایش چهارم، تهران: نشر میترا.
صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات در ایران. چاپ پنجم، تهران: انتشارات فردوس.
غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۳). ادبیات تطبیقی. ترجمه سید مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.
میرصادقی، جمال (۱۳۹۴). عناصر داستان. چاپ نهم. تهران: انتشارات سخن.
نجم دکتر، محمدیوسف. (۱۹۶۶م). فن القصه. الطبعة الخامسة، بیروت: دارالثقافة.
یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۸). چشمه روشن (دیداری با شاعران). تهران: انتشارات علمی.
ذبیحی، رحمان و دیگران. (۱۴۰۲) تحلیل مناظره خسرو و فرهاد به روایت نظامی گنجوی و خانای قبادی از دیدگاه اصول همکاری گرایس. پژوهشنامه ادبیات کوردی، بهار و تابستان ۱۴۰۲، سال نهم، شماره ۱، پیاپی ۱۵،

صص ۹۷-۱۱۲

رسولیان، کمال. (۱۴۰۲). نقش ادبیات در تقویت هویت ملی و زبان یک ملت با تکیه بر شاهنامه و کوش‌نامه. دانشگاه محقق اردبیلی، همایش بین المللی پژوهش‌های تطبیقی ادبیات داستانی، زمستان ۱۴۰۲
غنی‌پور، ملک‌شاه و دیگران. (۱۴۰۲) تحلیل و بررسی خسرو و شیرین نظامی با محوریت مناظره خسرو و فرهاد با استفاده از مؤلفه‌های رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف. کهن‌نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۴: شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۳۶۸-۳۴۷
گادامر، هانس گئورگ (بهار ۱۳۷۹). زندگی: درنگیدن و مراقبه در زبان «اندیشه‌هایی در باب زبان و ادبیات» ترجمه محمد فرمانی، نامه فلسفه. شماره ۹ صص ۶۷-۷۴

مدرسی، فاطمه و رسولیان، کمال (۱۴۰۲). بررسی واژگان غیرمستعمل امروزی در اشعار رودکی. فصلنامه بین‌المللی علمی-تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق) سال ششم، شماره سیزدهم، بهار ۱۴۰۲، صص ۷۳-۹۴.

نوروزی، زینب. (۱۳۸۸). نقد ساختاری مناظره خسرو و فرهاد در منظومه غنایی خسرو و شیرین. پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۷۸-۱۵۹.

معرفی نویسندگان

فاطمه مدرس‌سی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

(نویسنده مسئول: f.modarresi@urmia.ac.ir)

(ORCID: 0000-0001-6636-4737)

کمال رسولیان: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

(Email: karzankarzanii@yahoo.com)

(ORCID: 0009-0008-5087-8205)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Fatemeh Modarresi: Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Urmia, Urmia, Iran.

(Email: f.modarresi@urmia.ac.ir: Responsible author)

(ORCID: 0000-0001-6636-4737)

Kamal Rasoulian: Master's student in Persian language and literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Urmia, Urmia, Iran.

(Email: karzankarzanii@yahoo.com)

(ORCID: 0009-0008-5087-8205)